

۱۶میدانجام

یادداشت

برایم نامه بنویس



حمید حاجی‌پور

روزنامه‌نگار

آقای پستیچی برایمان می‌آورد، دل توی دلمان نبود که فلانی برایمان چه نوشته.

گوشه پاکت نامه را پاره می‌کردیم و سیاهه را بیرون می‌کشیدیم. نامه‌ها بیشترشان با نثری احساسی شروع می‌شدند، مثلا «سلام من به زبان‌تان بروم» یا «آرزو می‌کردم همینک پیش‌تان می‌بودم» و

نگارنده‌های نامه‌معمولا از خودشان، حال‌شان، کارشان، دلتنگی‌شان می‌نوشتند آن هم با قلم‌فرسایی بی‌حد و حصر. در واقع کسی که نامه می‌نوشت قصدش آن بود با احساس تمام شرح حال خود را برای مخاطبش بنویسد. آن روزها نامه مهم‌ترین ابزار ارتباطی بود. زمانی که در هر کوچه شاید چند خانه بیشتر تلفن نداشتند نامه سرآمد بود و پستیچی‌ها پرکارترین کارمندان دولتی. وقتی پستیچی با موتور هندآ زردرنگ می‌پیچید توی کوچه ما، بچه‌ها بازی را رها می‌کردند که پستیچی جلوی کدام خانه می‌ایستد، اگر جلوی در قهوه‌ای رنگ یعنی خانه ممدآقا می‌ایستاد یعنی از پسرش غدیر که در جبهه است نامه آورده، اگر وسط کوچه می‌ایستاد یعنی حتما برای خانواده نعمتی از پدرشان جناب سرهنگ نامه آمده، اگر جلوی خانه ما می‌ایستاد یعنی از کردستان نامه آمده، اگر ... همه ما با دیدن آنجراقا، نامه‌برسان همیشه خندان محله‌مان سر را پا نمی‌شناختیم که به‌به با خودش نامه آورده و خدا کند نامه‌ای که از خورجینش بیرون می‌آورد برای خانه ما باشد. آن روزها صندوق‌های پست سرشان شلوغ و تا خرخره توی آن پاکت بود. هر یکی دو روز مامور پست آن را خالی می‌کرد و دوباره پر می‌شد. ما بچه‌های دهه ۶۰ آنقدر به نامه نوشتن علاقه داشتیم که برای بچه‌های فامیل نامه می‌نوشتیم آن هم با تقلید از نثر بزرگتراها! از تبرهم نگویم که هرکدام‌مان سعی می‌کردیم برای خودمان کلک‌سیونی جمع‌آوری کنیم. خدا از سر تقصیرات اینترنت نگذرد که بساط نامه نوشتن را برچید. اولش نامه الکترونیکی یا همان ایمیل سر و کله‌اش پیدا شد و بعد شبکه‌های اجتماعی، مدل به مدل، رنگ به رنگ، ورژن به ورژن با کارکردهای پیشرفته‌تر. شبکه‌های اجتماعی آن‌هم در سرزمین‌میدعان پست ضربه‌کاری‌به‌نامه‌نگاری‌دطوری‌که‌نزدیک‌به۳۰۰صندوق‌پست‌درتهران‌ازکاربریکارشدند، صندوق‌هایی که همه احوالات و احساسات ما را در مخزن‌الاسرار خود جای می‌دادند. افسوس که دیگر کمتر کسی پیدا می‌شود نامه بنویسد؛ وقتی می‌شود در تلگرام و واتس‌آپ و اینستاگرام صدا و تصویری یکدیگر را دید و شنید چه کاری است نامه نوشتن! اما از یک نکته نباید غافل شد، نامه نوشتن یعنی فکر کردن، یعنی احساسات، دغدغه‌ها، خواسته‌ها را به قلم و کاغذ منتقل کردن. نوشتن احساسات روی کاغذ مطمئنا راحت‌تر از تایپ آن است. این موضوع را خیلی‌ها اعتراف می‌کنند. خب بی‌خیال، حالا که ما پیشرفته شده‌ایم چه نیازی به نامه نوشتن است، اصلا چرا باید خودمان را به زحمت بیندازیم وقتی می‌شود چت نوشتاری، صوتی و تصویری کرد! باید تأمل و تفکر کرد همچنان که ما بین سنت و مدرنیته سرگردان مانده‌ایم، اروپایی‌ها از میراث ما ایرانیان به خوبی بهره می‌برند. آنها هنوز هم نه همیشه ولی چندین بار در سال برای یکدیگر نامه می‌نویسند، کارت پستال می‌فرستند تا احساسات‌شان را به دوستان، خانواده و عزیزان‌شان القا کنند. نمی‌دانم آنها هنوز به روز نشده‌اند یا ما خیلی پیشرفته شده‌ایم!



به کندوی زنبورهای نامه‌رسان خوش آمدید!

ایرانیان مبدع پست در جهان هستند البته به‌گواه خودمان بلکه به توصیف ثبت شده هردودت، مورخ نامی و زبان‌زد یونانی که از پیک‌های هخامنشیان چنین گفته است، «نه برف، نه باران، نه گرما و نه تاریکی شب نمی‌تواند پیک‌های تندرو را از حرکت بازدارد».



گزارش میدانی خبرنگار جام‌جم از مرکز تجزیه و مبادلات پست کشور

اینجا، قلب پست

کامیون‌های بزرگ زردرنگ وارد محوطه می‌شوند، دنده عقب می‌گیرند و پشت ماشین را به سکو می‌چسبانند. در که باز می‌شود بسته‌های بزرگ و کوچک پیدا می‌شوند. کارگرها بسته‌ها را روی نوار نقاله‌ها می‌گذارند تا دستگاه اسکنر (کدخوان) آنها را تفکیک کنند، هر بسته بر اساس منطقه‌ای که باید به آنجا ارسال شود، سفر جدیدی را آغاز می‌کند و به نوار دیگری منتقل می‌شود. اینجا قلب پست کشور است، ساختمان کندویی که ریتم فعالیتش یک لحظه هم متوقف نمی‌شود. اینجا ماشین‌ها، نوار نقاله‌ها و آدم‌ها مدام در حال کارند دقیقاً همچون زنبورهای کارگر!

معماری ساختمان مرکز تجزیه و مبادلات پست کشور در چهارراه لشکر تهران دقیقاً شبیه کندوی زنبور عسل است و ماشین‌های زردرنگی که مدام در حال رفت و آمد به این ساختمان هستند، همچون زنبور. این مرکز بیش از ۷۰ درصد محموله‌های پستی کشور را تجزیه و جداسازی می‌کند و به مناطق دور و نزدیک می‌فرستد. هیچ نقطه‌ای از کشور نیست که از خدمات شرکت ملی پست و شبکه مویرگی ارسال مرسولات پستی بی‌بهره بماند. پستی‌ها در ایام کرونا، ایام قرنطینه و منع آمد و شد دوران سختی را گذرانده‌اند و در این چرخه خدمت ۲۳ نفر از کارمندان خود را به دلیل ابتلا به کووید-۱۹ از دست داده‌اند.

داستان سفر بسته‌های پستی

در کامیون‌ها باز می‌شود و کارگرها بدون هیچ اتلاف وقت بسته‌ها را روی نوار نقاله‌ها می‌گذارند. بسته‌ها توسط اسکنر بر اساس نشانی جدا می‌شود و به خط‌های دیگری که هر یک متعلق به یک استان است، منتقل می‌شوند. محموله‌های هر یک از استان‌ها روی پالت مخصوص خود چیده و در نهایت داخل محفظه‌های فلزی چرخ‌دار شبیه قفس گذاشته می‌شوند تا به ضلع شرقی بروند. در هر مرحله، اپراتور عملیات صورت گرفته را ثبت می‌کند، بسته‌ها پس از گذراندن همه مراحل به قسمت بارگیری می‌روند. آخرین اپراتور بسته‌ها را در فهرست خروج ثبت می‌کند و با ثبت الکترونیکی ارسال شده از مبدا تطبیق می‌دهد و اگر مغایرتی باشد سریع گزارش می‌دهد. کامیون‌ها در سه شیفت صبح و عصر و شب وظیفه بارگیری و رهسپاری شدن به مقاصد خود را دارند. بیشتر مرسوله‌ها با کامیون، برخی با قطار و هواپیما به استان‌های مورد نظر ارسال می‌شوند؛ کاری پیچیده، دقیق و البته حساس. همه بسته‌ها بیمه عمومی می‌شوند که اگر خدای ناکرده اتفاقی برایشان افتاد به صاحبان آنها تا ۸۰۰ هزار تومان غرامت پرداخت شود، البته اگر کسی بخواهد می‌تواند فریم بیمه اظهار شده پر کند تا بسته‌اش به‌طور سفرارش و با حساسیت بالا ارسال شود و بر اساس مبلغ اظهار شده مرسوله تا سقف مشخص غرامت دریافت کند. طبقه همکف ساختمان مرکز تجزیه و مبادلات یا همان ساختمان

کندویی، بسیار شلوغ و پر رفت و آمد است. لیفتراک‌ها و تrolley‌ها مدام در حال جابه‌جایی بسته‌ها هستند. بخش بیشتری از سالن در اشغال بسته‌های بالای دو کیلویی است و بخشی کوچک اختصاص یافته به بسته‌های زیر دو کیلو. طبقه بالا هم اختصاص یافته به پاکت‌های ژورنالی یا روزنامه‌ای. به گفته خانم حدیث دانش‌راد، مسؤول روابط عمومی این اداره که در بازدید از فعالیت این مرکز همراهی‌مان می‌کند، ارسال برخی از بسته‌ها که حاوی پول و طلا، حیوانات، محموله‌های شیمیایی خطرناک و آسیب‌رسان هستند ممنوع است. تهیه و استفاده از قفس‌های چرخ‌دار یا همان تrolley‌ها به سریع‌تر شدن فعالیت کارگران کمک زیادی می‌کند. علی‌رهنما، یکی از پرسنل این مرکز که بیش از ۱۰ سال سابقه در آماده‌سازی بسته‌های پستی را دارد در این باره به ما می‌گوید: «تrolley‌ها گذشته از این‌که در حفظ و بالا بردن امنیت بسته‌ها کمک‌مان کرده، باعث شده نظم‌دهی و ردیابی بسته‌ها برای ما راحت‌تر شود. بعضی از کامیون‌ها بر اساس حجم محموله‌های ارسالی گاهی به دو استان می‌روند و وجود این تrolley‌ها کار را راحت کرده چون افرادی که در استان‌های مقصد محموله‌ها را دریافت می‌کنند اصلا دچار اشتباه نمی‌شوند.»

اما از حجم بالای کار که بگذریم موضوعی که هر تازه‌واردی را به خود جلب می‌کند رنگ یکنواخت سیمانی در سراسر این محیط است؛ نبود هیچ رنگی در اینجا شاید بر روحیه کارکنان آن تأثیرگذار باشد. یکی از پرسنل این مرکز که نمی‌خواهد اسمی از او در این گزارش باشد در این باره می‌گوید: «این مرکز از بدو تأسیس همین شکلی بوده، ما به این بی‌رنگی عادت کرده‌ایم ولی اگر گفت جایی که کار می‌کنیم رنگ داشته باشد، اگر ستون‌ها و دیوارها رنگی باشند مطمئنا بر روحیه ما تأثیرگذار خواهد بود و به ما انرژی دو چندان می‌دهد».

فعالیت سخت پست در ایام شیوع کرونا

وقتی بهمن سال ۹۸ شیوع کرونا در کشور اعلام شد و رفت و آمد مردم به‌خاطر ترس از ابتلا افزایش پیدا کرد، تمایل به ارسال بسیاری از کالاها به ویژه فروشگاه‌های اینترنتی افزایش یافت و شرکت پست برخلاف همه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی که در برهه‌هایی با یک سوم پرسنل فعالیت می‌کردند با تمام‌توان خود انجام وظیفه کردند. مهندس مهدی مقصودی، مدیرکل مرکز تجزیه و مبادلات شرکت پست درباره وضعیت این مرکز در ایام شروع و تشدید کووید-۱۹ به ما می‌گوید: «با آمدن کرونا وضعیت ما به شدت تغییر کرد و خریدهای اینترنتی برای کاهش مراجعه حضوری به شدت افزایش پیدا کرد. حجم مرسولات تا ۳۱۰۰ بار ماه‌های قبل رسید و ما مجبور شدیم برای این‌که خللی وارد نشود از پرسنل ستادی کمک بگیریم. اوج کار ما در ماه‌های منتهی به سال نوروز ۱۴۰۰ بود که

این توصیف غرورآفرین سال‌هاست روی ورودی دیوار پست مرکزی نیویورک نقش بسته است. درست است ما مبدع پست هستیم ولی غربی‌ها خیلی وقت است گوی سبقت را از ما ربوده‌اند آن هم با بهره از تکنولوژی اما پست ما با تکیه بر

نیروی انسانی خود و با مشکلات زیرساختی که دارد همچنان توانسته در خاورمیانه جزو برترین‌ها باشد. این گزارش برای آشنایی بیشتر خوانندگان جام‌جم برای فعالیت شبانه‌روزی ماموران پست است؛ به کندوی زنبورهای نامه‌رسان خوش آمدید!

تشکیل هاب‌های پستی و تجهیز مرکز تجزیه و مبادلات

در حالی که حجم مرسوله‌های پستی از آب معدنی و پوشک بچه و مواد خوراکی گرفته تا مرسولات عادی روز به روز افزایش می‌یافت و فعالیت این مرکز را خلل روبه‌رو می‌کرد، تشکیل چندهاب پستی در غرب، مرکز، شمال شرق و غرب توانست گره‌ای از مشکلات باز کند. مهندس مقصودی درباره تشکیل این هاب‌ها چنین می‌گوید: «مدیریت پست همچون مدیریت برخی از دستگاه‌های دولتی متمرکز در تهران است و این موضوع در آن شرایط فشار زیادی به ما وارد می‌کرد بنابراین طی چندین جلسه قرار شد هاب‌هایی در همدان، مشهد، کرمان و تبریز ایجاد شود تا بخشی از این حجم به سایر مناطق منتقل شود، به عنوان مثال پیشتر، محموله‌ای که در گذشته از مشهد به تبریز از طریق تهران ارسال می‌شد به‌طور مستقیم صورت گرفت و این هاب‌ها موفق شدند بخشی از مشکلات ما را برطرف کنند. در واقع این تمرکززدایی باعث شد فعالیت ما روان‌تر و همچون گذشته با سرعت‌تر شود.» شرکت پست که همچون بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی با شیوع کرونا غافلگیر شده بود با توسعه آی تی همان ابتدا توانست بخشی از مشکلات را سر و سامان دهد و در ادامه تزریق نیروی انسانی و تجهیزات خودرویی این شرکت را چابک‌تر کند. مدیرکل شرکت تجهیز و مبادلات شرکت پست با اشاره به تخصیص ۴۰ کامیون و کامیونت و خودروی سبک به این مرکز عنوان می‌کند: «اهمیت یافتن نقش پست در رفق و فتق امور تخصصی این حوزه باعث شد در جلسه هیات دولت دوازدهم برای خرید نیازمندی‌های ضروری این مرکز تصمیم‌گیری‌های جدی صورت بگیرد. با خرید خودروهای سبک و سنگین و تزریق نیروی انسانی خون تازه‌ای وارد رگ‌های مجموعه‌مان شد و توانستیم با سرعت بیشتری فعالیت‌مان را ادامه بدهیم. در کل باید بگویم کرونا گذشته از تهدید، فرصتی برای ما شد تا توانمندی‌هایمان را اثبات کنیم.»



صندوق‌های پستی خالی

پیش از ظهور اینترنت پر سرعت و گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی، صندوق‌های پست و نامه‌رسان‌ها ن‌سرشان شلوغ بود. وقتی نامه‌رسان نامه‌ای را برایمان می‌آورد، با ذوق و شوق پاکت را باز می‌کردیم تا ببینیم چه کسی برایمان نامه نوشته است؛ حتماً برای‌تان پیش آمده که یک نامه را چندبار خوانده‌اید و برای کسی که نامه نوشته، پاسخی می‌نوشتید و تمبری پشت پاکت می‌زدید و می‌انداختید داخل صندوق پست زرد رنگ. اما اکنون اینترنت بساط نامه‌نگاری با آن ادبیات خاص خودش را برپه‌اید! دیگر کسی نامه نمی‌نویسد. مهندس مقصودی با اشاره به وجود ۲۹۰۰ صندوق پستی در تهران می‌گوید: «متأسفانه مکاتبات جنبه حالبه در تهران و بسیاری از نقاط کشور به صفر رسیده است. کاربرد صندوق‌ها تبدیل شده به محفظه‌ای که مدارک گمشده را داخلش می‌اندازند.

چند سال پیش سفر کاری به یک کشور اروپایی داشتیم. صف عریض و طولی مقابل اداره پست دیدیم. وقتی پرس و جو کردم متوجه شدم مردم کارت‌پستال تهیه کرده‌اند و می‌خواهند برای دوستان و خانواده خود ارسال کنند. آنها که جزو کشوری توسعه یافته هستند همچنان نامه‌نگاری در بین‌شان مرسوم است ولی ما ایرانیان به مبدع پست در جهان هستیم به آن اهمیتی نمی‌دهیم. بی‌توجهی به نامه‌نگاری حتی بر طراحی تمبرهم تأثیرگذار بوده، متأسفانه در طول سال‌های گذشته طراحی تمبرها به شدت ضعیف شده و تمبری که سفیر و نماد فرهنگی ماست و بیشتر طراحی‌های زیبایی داشتند تبدیل به تمبرهای مشاهیر و افراد سیاسی شده است. ما همه تلاش‌مان را می‌کنیم تا نامه نوشتن دوباره زنده شود و آماده همکاری با سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی هستیم.»

آینده پست

پست در سراسر جهان به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه تبدیل به یک صنعت درآمدزا شده است. بسیاری از شرکت‌ها و سایت‌های فروش آنلاین برای خدمات بیشتر به مشتریان خود یا از پست بهره می‌گیرند یا از پست‌های خصوصی و این حکایت از اهمیت پست دارد. مقصودی در پایان از آینده پست برایمان می‌گوید: «آینده پست در جهان به سوی استفاده از تکنولوژی می‌رود. به عنوان مثال شرکت آمازون کنار فعالیت خود یک اپراتور پست راه‌اندازی کرده که محصولات و مرسولات خود را برای خریداران ارسال کند. این موضوع از اهمیت پست به عنوان یک صنعت در جهان نشان دارد. باید به این نکته مهم اشاره کنم پست، حلقه مکمل تکنولوژی و کانال فیزیکی است. آینده پست روشن و بنگاه اقتصادی موفقی پیش رو دارد اما شرکت پست در ایران با این زیرساخت آینده مبهمی دارد و برای تحول آن نیاز به توسعه دارد.» اینجا قلب پست کشور است، ساختمان کندویی که ریتم فعالیتش یک لحظه هم متوقف نمی‌شود. اینجا ماشین‌ها، نوار نقاله‌ها و آدم‌ها مدام در حال کارند دقیقاً همچون زنبورهای کارگر!

